«شرق» در میزگردی ابعاد مختلف طرح «تقویت نظام آموزش‌وپرورش» را بررسی کرد

طرحی برای پولی‌سازی آموزش

هدی هاشمی: در سال‌های اخیر برنامه‌های مختلفی برای تقویت نظام آموزش و پرورش مطرح شده است. این برنامه‌ها با هدف بهبود کیفیت آموزش، افزایش عدالت آموزشی، تطبیق آموزش با نیازهای بازار کار و پوشش آموزش در مناطق مختلف بوده است. حالا چند وقتی است که دوباره طرحی به‌عنوان «تقویت نظام آموزش و پرورش ایران» از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس مطرح شده است؛ طرحی که می‌خواهد تغییراتی در سیستم آموزشی کشور ایجاد کند. در این طرح گفته شده برای اینکه کیفیت مدارس را افزایش دهیم، باید مدارس را رتبه‌بندی کنیم. همچنین به موضوع تغییر تقویم آموزشی، استانی‌کردن ساختار آموزشی، تشکیل معاونت اقتصادی در آموزش و پرورش اشاره شده است. «شرق» با جمعی از کارشناسان تعلیم و تربیت درباره این طرح میزگردی تشکیل داده است. به گفته آنها این طرح به خصوصی‌سازی و پولی‌سازی آموزش کمک می‌کند و باعث افزایش نابرابری آموزش در مدارس می‌شود. زهرا علی‌اکبری، کارشناس آموزش، فاطمه مقدسی، پژوهشگر سیاست‌گذاری آموزش، جلال کریمیان، پژوهشگر سیاست‌گذاری آموزش، بارمحمد حسین‌بر، مدیرکل سابق امور اداری و تشکیلات وزارت آموزش و پرورش و محمدرضا نخ‌نژاد، کارشناس تعلیم و تربیت، در این میزگرد حضور داشتند و اشکالات این طرح را بررسی کردند.

عکس: پیوند آن‌پی‌ایرنا

چند وقتی است که ما موضوعی به نام تقویت نظام آموزش و پرورش را می‌شنویم. این طرح چیست؟ قرار است سیستم آموزشی کشور چه تغییراتی داشته باشد و چرا هزارگامی با تغییرات سیستم آموزشی کشور مواجه می‌شویم؟

نیک‌نژاد: عنوان طرح «تقویت نظام آموزش و پرورش ایران» است. قرار است که از مشکلات آموزش و پرورش کم‌وکاستی کنند. این طرح دارای چند ماده و یک مقدمه نسبتا طولانی است که در آن به یک‌سری از اسناد بالادستی مثل سند تحول بنیادین با نگاه رهبری به موضوع تقویت نظام آموزشی اشاره شده است. مرکز پژوهش‌های مجلس با همکاری کمیسیون آموزش این طرح را نوشته‌اند. اما در کل اگر بخواهیم یک ارزیابی کلی داشته باشیم، مواردی است که مطرح کرده‌اند؛ این است که مدرسه‌ها رتبه‌بندی شوند. چرا رتبه‌بندی شود؟ اینکه یک رقابت ایجاد کنیم و کیفیت مدرسه‌ها را در این رقابت بالا ببریم. درباره استانی‌کردن ساختار آموزشی صحبت کردند. درباره تقویم آموزشی حرف‌هایی زده‌اند که تغییراتی باید انجام شود. چراکه روزهای آموزش‌ها من از نُرم جهانی کمتر است و یک اشاره‌ای به آموزش معلمان سمپادی کردند. برای نخهدانست یک‌سری معلم که به این اسم در مدارس سمپاد درس می‌دهند. در طرح اشاره شده که یک شعبه در دانشگاه فرهنگیان باز کنید و به آنها آموزش دهید که آنها در مدارس سمپاد درس بدهند. درباره تغییر معاونت‌ها صحبت کردند که یک معاونت را حذف کرد و دو معاونت را از آن دیگر اضافه کرد که مگر نمی‌گویید این سند چالش‌برانگیز و عجیب‌وغریبی است که به دنبال تشکیل معاونت اقتصادی در آموزش و پرورش هستند. آموزش کودکان از تنش‌سالگی که یکی از نکات چالش‌برانگیزش است، می‌خواهند کلاس اول را ببرند از پنج‌سالگی شروع کنند.

مقدسی: درباره بخش مقدماتی، رئیس مرکز پژوهش‌ها صحبت از این کرده که ما ۱۰ گزارش کارشناسی درباره این ۱۰ بندی که پیشنهاد شده، داریم. من دست‌کم تمام گزارش‌های مرکز را چندین سال است که می‌خوانم؛ اولا که به نظر می‌آید حول تک‌تک اینها گزارش کارشناسی انجام نشده، ثانیا گزارش‌های کارشناسی مرکز صرفا یک توصیفی از وضع موجود هستند. هیچ بایدی از این اصل‌ها نمی‌توان استخراج کرد.

حسین‌پور: دو مسئله دیگر هم وجود دارد که به نظرم مهم است؛ اولی، تفکیک استخدامی و دیگری بازنگری سرفصل‌های دانشگاه‌های فرهنگیان است که فکر می‌کنم باید به بحث مفصل دارد.

خب، الان آن چیزی که مطرح شده، به من می‌گوید که قرار است با یک سیستم جدید آزمون و پرورش مواجه باشیم.

نیک‌نژاد: ببینید، اولا من این را طرح نمی‌دانم؛ یعنی یک آشفته‌متنی است که انسجام لازم را ندارد و برخلاف ادعایش، وقتی شما طرح می‌دهید، طرح یک ساختاری دارد. این از همان اول هدفش را پولی‌سازی بیشتر آموزش قرار داده است.

از چه زمانی قرار است اجرائی شود و اصلا چقدر بحث کارشناسی روی آن انجام گرفته است؟

نیک‌نژاد: اصلا این متنی نیست که قابل اتکا باشد. ما وقتی با دوستان صحبت کردیم که درباره این موضوع نشست داشته باشیم. دوستان گفتند این طرح اصلا مورد توجه آنها قرار نمی‌گیرد تا اینکه یک خبرهایی از داخل وارتخانه آمد که وزیر دستور داده این را پیگیری کنید.

مقدسی: داستان اصلا داستان دیگری نیست. شش ماهی است که بررسی این طرح را شروع کرده‌اند. طرح اولیه‌ای نوشته‌اند؛ مسئله‌شان هم اول از همه تمرکززدایی بود و از دیگر طرح‌ها متفاوت است که استان‌ها را تقویت کنیم. این طرح نوشته شد. در همین راستا یک‌سری مصاحبه با وزرا کردند که برای استانی‌شدن چه کاری باید انجام دهیم. گفتند زمانی که ما این طرح را نوشتیم، یکباره یکی از نماینده‌های مجلس، مواردی را به زور وارد این برنامه کرد و احتمالا بخش‌هایی از آن که اقتصادی‌ترند است، وارد برنامه شد. در اصل از آن بازی‌ها است که مجلس می‌خواهد دوستان را نشان دهد؛ یعنی یک جیز تقریبا خیلی ابتدایی را تبدیل به یکنمی کرده که با آن سروصدا راه بیندازد که این کارها را می‌خواهیم انجام دهیم. حالا من فکر می‌کنم اصل قبل از ورود به بحث، درباره اینکه آیا مجلس وجاهت ورود به این مسائل آموزش و پرورش را دارد یا خیر، صحبت کنیم. اصلا مجلس کجاها باید ورود کند و کجا نباید وارد شود؟

حسین‌پور: وقتی مجلس می‌خواهد یک قانون یا طرحی را پیشنهاد دهد، قانون اساسی نصب‌العینش باید باشد. این بدیهی است. در قانون مدیریت خدمات کشوری، اگر اشکم نکنم ماده ۱۱۴ و ۱۱۵ به‌صراحت تاسیس شورای عالی اداری را توضیح داده است. اصلا ساختار جزء وظایف آنها است و این هم یک لایحه و قانون بود. اگر باز هم اشتباه نکنم، قانون اساسی ماده ۷۵ و ۷۱ به صراحت این تفکیک وظایف قوا را مشروعیت داده و تداخل در کار وزارت آموزش و پرورش است. سال ۱۳۹۹، ساختار وزارت آموزش و پرورش دستخوش یک‌سری تغییرات شد. این نیاز به تصویب مجلس نداشت، بلکه وظیفه وزیر آموزش و پرورش است. اگر می‌خواهد، بازهای مشورتی داشته باشد که از آنها استفاده کند. از شورای عالی آموزش و پرورش استفاده کند و ساختار را خودش انجام کند. این مداخله اشتباه است. مثل لایحه ما بگویید ۳۴ درصد کل بودجه که این طرح را پیشنهاد دادند، از یک مجموعه عظیم وزارت آموزش و پرورش بیشتر می‌فهمند. این خیلی اشتباه است و فرمایش شما کاملا درست است و آن را وارد می‌دانم. اما نکته‌ای این است که مشخص کرده که هرکسی در چارچوب خودش کار کند و هر چزء وظایف دولت است. البته من اینجا تقدی می‌دهم و کار می‌کنم. شاید بخشی از این وضعیت ناشی از کم‌کاری دولت و وزارت آموزش و پرورش بوده که آنها به خودشان اجازه دادند ورود پیدا کنند. اما نکته‌ای هم که می‌خواهم بگویم و بعد در خدمت دوستان هستم، این است که یکی از اهدافی که دنبال می‌کنند، ارتقای کیفیت است. به نتایج آزمون‌های بین‌المللی استناد می‌کنند. خب، چرا ریشه‌یابی نکردند که زمانی زیادی از کیفیت محصول دخالت‌های نادرست و ناپیاق نمایندگان این سال ۱۳۸۸ یک چرخه جذب نیروی حق‌التدریس را تبدیل به قانون کردند؟ تا امروز شده‌اند. الحاقیه، الحاقیه، تفسیر خورده و حتی امروز که ما با هم صحبت می‌کنیم، اگر اشتباه نکنم ۲۹۷ هزار معلم که به فراقانتصالیت دانشگاه فرهنگیان هستند، نه فراقانتصالیت دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی هستند، نه از طریق آزمون ماده ۲۱ امتحان داده‌اند، وارد آموزش و پرورش شده و این یعنی بیشتر از نصف کوچه معلم ما، ما ۵۸۰ هزار معلم بیشتر سر کلاس درس نداریم؛ یعنی نصف معلم‌های ما با این شیوه وارد شده‌اند. چرا به آن اشاره‌ای نمی‌کنند. چرا نمی‌گویند مدیگر در فرایند جذب معلم دخالت نمی‌کنیم، شما از همان دو دانشگاه خودتان معلم بگیرید؟

نکته کلید این یعنی تقویت مدرسه‌مثله را عوض کردند؛ یعنی کیفیت را به چیزهایی ارتباط دهند، نه اینکه بی‌ربط باشد، شاید ربط داشته باشد اما نبوی انسانی را که اصل مطلب است، رها کردند و چسبیدند به چیزهای دیگر. این نکته مهمی است که به نظر من یکی از ایرادهای اساسی است که به این طرح وارد است و تقویم و پرورش باید خیلی فعال باز این موضوع برخورد کند.

یک جای دیگر اینکه بین برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان و رشته‌ها هیچ انطباقی وجود ندارد. بر اساس قانون یک وزارت آموزش و پرورش، رسما مجلس تصویب کرد. تعیین عنوان کرده هماهنگی و برنامه‌ریزی تربیت معلم. خود هشتم وزارت علوم یک تکلیفی داشتند که آموزش و پرورش باید که اصلا وظیفه‌اش مجلس است که باید هر سه تا نیج سال برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان را بر اساس اقتضائات بازنگری کند. زمانی که آقای حاجی‌میرزایی وزیر بود، ۱۶ برنامه در یک بازه زمانی تقریبا ۱.۵ ساله‌شان گرفت. این بود انطباقی که بین برنامه درسی و رشته درسی فرهنگیان است. اگر این گروه فعال بود، از آن آموزش و پرورش‌ها بازنگری‌شده سال گذشته، مجدد این گروه باید در وزارت آموزش و پرورش فعال می‌شد و بازنگری می‌کرد. اتفاقا به نظرم برنامه‌ای که برای رشته آموزش ابتدایی یا سرپرستی خانم حکیم‌زاده نوشته شد، جزء متعالی‌ترین برنامه‌های درسی بود. این نشان‌دهنده نبود انطباع پیشنهاددهندگان این طرح از فرایندهای وزارت آموزش و پرورش است که آنها عمل نمی‌دانند است. آن‌قدرش را می‌دهیم برای طرح‌های نیمه‌تمام‌تان. بقیه را بر اساس یک الگو بیاورید که در یک بازه زمانی ۱۰۰ساله همه شهرستان‌ها به یک حدی برسند. من روی آن کار کردم، عددها را ۲۰۰ درصد افزایش بودجه در نظر گرفتیم، همه‌چیز هم آماده شد. جالب این است که من که از بیرون ورود کرده بودم، بچه‌های نوسازی نتوانستند جیع ایرادی بر آن وارد کنند چون حرفی برای گفتن نداشتند. چون خودشان می‌دانستند چه کار می‌کنند. اینکه مجلس ورود می‌کند، می‌دانید که اگر طور دیگری ورود کند، این حرف بدی است که من می‌زنم اما مجلس بیشتر از اینکه منافع ملی را در نظر بگیرد، نیم‌نگاهی به رای‌آوری خودش در چند سال بعد دارد. این ایراد بزرگی است که وجود دارد.

در بحث توزیع سهمیه‌های استخدام، زمانی که ما در سازمان سهمیه می‌گرفتیم، نماینده‌های محترم که می‌فهمیدند منطقا آموزش و پرورش ۳۵ هزار ردیف گرفته، روزی نبود که یک کروه نیایند. اصلا هرچه توضیح می‌دادیم که آنجا نیاشست تبویب دراریم، این از بیت‌المال پسول می‌گیرد. آنجا نیست. آن روز هم تغییرگردن نهادی که نقش آموزشی و تربیتی دارد به مسئله اقتصادی، علاوه بر مسئله فساد اساسا بعد تربیتی این نهاد را زیر سوال می‌برد و اصلا کار این نهاد نیست.

نیک‌نژاد: این طرح کلا در راستای پول‌سازی است. تمرکز اصلی بر درآمد است. درباره نکات آموزشی نکته‌ای گفته و کاملا رد شده است. مثلا درباره استانی‌سازی یک اشاره کرده و چند جمله درباره آن گفته و رد شده است. درباره توجه به آموزش دوران کودکی اشاره‌های شده و دو، سه نکته درباره آن گفته و رد شده است. اما تمرکز اصلی بر اقتصادی‌کردن آموزش و پرورش است؛ درآمدسازی آموزش و پرورش و رتبه‌بندی مدارس است. رتبه‌بندی مدارس و راستای این است. به نظر من اصل موضوع این متن که من واقعا از اینکه به آن طرح بکویم اما دارم، یک متن پراهیام و پراشکال است که تمرکزش بر پول است.

مقدسی: درباره اقدامات اسپیرالی مجلس باید بکویم سال ۹۹ قانون تنظیم برخی از مقررات آموزش و پرورش تنظیم شد، اجزاءهای به آموزش و پرورش است که حتما باید به آن توجه کرد. اما در مورد اصلاح ساختار؛ ما در سازمان اداری و استخدامی، اموری داریم تحت عنوان امور ساختار سازمانی که آن زمان آقای شاه‌غریب رئیس امور بودند و نمی‌دانم هنوز هست یا خیر. اصلا همه وزارتخانه‌ها هر زمانی که صلاح بدانند و هر زمانی که نیاز باشد بر اساس آن یافته‌های پژوهشی می‌توانند یک نامه بزنند. کارشناسان بروند بحث کارشناسی کنند، اصلاح ساختار را با لحاظ یک‌سری قواعد انجام دهند. الان می‌خواهند معاونتی را که تحت عنوان معاونت برنامه‌ریزی و توسعه بوده، تبدیل به دو معاونت کنند؛ بحث بودجه، امور مالی و تعاونی را یک معاونت کنند و بحث نیروی انسانی را یک معاونت دیگر. هرچند جدا از اینکه این طرح وجود دارد یا نه، بعضی حرف‌های درست هم در این گفته شده است. الان به نظر من و همه کارشناسان شاید زمان این است که مرکز برنامه‌ریزی تبدیل به معاونت نیروی انسانی شود؛ این خیلی مهم است. وقتی الان تقریبا ۲۶ درصد پرسنل کشور برای آموزش و پرورش است، وضعیت آموزش معلمان‌مان خیلی مسئله دارد و الان این مرکز نیز یک معاونت است و حرف و حدیث نیست. در واقع اینها آمدند آن چارت را رعایت کردند و باکس‌ها را بیشتر نکردند، معاونت ابتدایی و متوسطه را یکی کردند و از محل ایجاد آن یکی را دو معاونت کردند. چون می‌دانستند آنجا سازمان اداری-استخدامی مخالفت می‌کند. اینها صرفا با همین ملاحظه این کار را کردند که دولت در مقابل‌مان بایستد و بکوید باکس‌های شما یک بیشتر شده است. ببینید آموزش کودکان خردسال با بزرگسالان کاملا متفاوت است. اینکه گفتند دو معاونت را یکی کنید، ساخت‌ها کار کارشناسی می‌خواهد، پژوهش‌های متعددی باید انجام شود و بعضی اشتباه دهند، اینها را بررسی کنند باید و بعد این نتیجه برسند. اینها صرفا می‌خواستند یک باکس خالی شود که این معاونت دو معاونت شود. اما در استان‌ها کلمات عمل سازمان را ایجاد می‌کنیم؛ یعنی عمل در استان‌ها ۹۴، ۹۲ باکس مدیریتی داریم که آنها را تبدیل به ۳۱، ۳۲ باکس می‌کنند.

علی‌اکبری: جرا باید آموزش و پرورش، آموزش ابتدایی و آموزش متوسطه را عمل کنند و بعد کار اقتصادی را انطبقه کند؟ کار اقتصادی در دلش هزار حرف است. شما جطور می‌خواهید درآمدزایی کنید؟ به نظر من این خیلی جای حرف دارد و آقای دکتر هم درست گفتند. ما دو تا پژوهش بکویید که در سطح جهان انجام شده. آموزش ابتدایی و متوسطه‌شان ادغام شده. ضمن اینکه ما در همین هفته اول آموزش‌ها انجام شده. پژوهش جداسازی انجام شده. یعنی ما یک بار آزمایش عمومی کردیم و دیدیم خوب نیست و اتفاق‌هایی می‌افتد. من می‌خواهم رسالت آموزش و پرورش چیست؟ آموزش و پرورش است. کجای آموزش و پرورش.

چطور آموزش و پرورش می‌خواهد کار اقتصادی کند؟

جلال کریمیان: ببینید داستان این است: از ۳۰ سال پیش گفتند دولت قلق ملک و املاک دارد. این املاک را می‌تواند بفهمه‌سازی کند؛ یعنی از این طرفت استفاده کند. این به‌طور کلی یک اشتباه بزرگ است. اینکه مجلس هم حاکم است. یعنی همین شکافی که به کسب بهترین و بدترین استان وجود دارد، درون استان‌ها هم اینه با شدت کم و زیاد وجود دارد. برخی از استان‌ها که در حوزه مسائل عدالت آموزشی بیشتر مورد توجه بودند، وضعیت خیلی افتضاحی داشتند. من یک کار دیگر هم کردم که آن را تبدیل به کتاب نکردیم. در مورد سایه فضای آموزشی کشور کاری را شروع کردیم. داده‌ها وحشتناک‌تر از آن. یک عدالت آموزشی است. در یکی از شهرستان‌های کشور به ازای هر دانش‌آموز نزدیک به ۵۰ متر سرانه فضای آموزشی وجود داشت. در یکی از شهرستان‌های کشور که مال همین استان تهران هم بود، نزدیک به دو متر وجود دارد. یعنی ۴۸ متر انحراف در سرانه فضای آموزشی وجود داشت. حالا من یک سؤال می‌پرسم و این را خدم هم جواب می‌دهم. جرا این‌طور است؟ نماینده مجلس دو وظیفه که بیشتر ندارد؛ یا تبیین آیت با نظارت. نماینده مجلس اینجا برای تحقق عدالت آن بعد نظارتی‌اش را به کار بکیرد که جرا وضعیت استان‌ها این‌طور است. اما تمرکز اصلی بر اقتصادی‌کردن آموزش و پرورش است؛ دقیقا ورود مجلس به خیلی از مسائل منجر به آسیب‌های جدی شده است. مجلس در واقع دارد و آن ایرادِ قدرتی دارد و آن هم استیخراج وزیر است و وزیر می‌ترسد

محمدرضا نخ‌نژاد، کارشناس تعلیم و تربیت: این را طرح نمی‌دانم؛ یعنی یک آشفته‌متنی است که انسجام لازم را ندارد و برخلاف ادعایش، وقتی شما طرحی می‌دهید، طرح یک ساختاری دارد. این از همان اول هدفش را پولی‌سازی بیشتر آموزش قرار داده است

فاطمه مقدسی، پژوهشگر سیاست‌گذاری آموزش: مجلس یکی از کلیدی‌ترین نقاط تعارض منافع در آموزش و پرورش است؛ دقیقا ورود مجلس به خیلی از مسائل منجر به آسیب‌های جدی شده است. مجلس در واقع دارد و آن ایرادِ قدرتی دارد و آن هم استیخراج وزیر است و وزیر می‌ترسد

زهرا علی‌اکبری، کارشناس آموزش: چرا باید آموزش و پرورش، آموزش ابتدایی و آموزش متوسطه را ادغام کنند و بعد کار اقتصادی را انطبقه کند؟ شما جطور می‌خواهید درآمدزایی کنید؟ کجای آموزش و پرورش، بودجه و اقتصاد و درآمدزایی هست؟

بارمحمد حسین‌بر، مدیرکل سابق امور اداری و تشکیلات وزارت آموزش و پرورش: در مورد سایه فضای آموزشی شورب کاری را شروع کردیم. داده‌ها وحشتناک بود. دریکی از شهرستان‌ها به ازای هر دانش‌آموز نزدیک به ۵۰ متر سرانه فضای آموزشی وجود داشت

جلال کریمیان، بژ و هنگر سیا ست گذا ر ی است؛ چه فایده دارد مدرسه‌ای که در لابلاز ار است با مدرسه‌ای که در آن است با مدرسه‌ای که در منطقه ۵ آن مقایسه شود؟ اولا این مدارس همه‌شان دست‌شان در جیب اولیاست. شما می‌خواهید مدرسه پولدار را با مدرسه فقیر مقایسه کنید؟

حسین‌پور: هر وقت است رتبه‌بندی می‌آید، تن من می‌لرزد. وقتی ما درباره رتبه‌بندی صحبت می‌کنیم، دقیقا بدانیم که من و شما را برای این فرایند جمع‌آوری داده‌هایی رتبه‌بندی کنیم؟ آیا می‌شود مثل رتبه‌بندی معلمان که هنوز ما نتوانستیم بخشند که معلمان استان‌ها را برای مدارس خاص تربیت کنند؟ که نمی‌دانم اسم این را چه بگذارم؟ در حالت کلی، این طرح همچنان که عرض کردم اصلا حتی اگر هم پیش برود، قابل اجرا نیست. مثل خود سند تحول. خیلی حرف‌های نامنسجم و پراکنده در این طرح زده شده. راهکاری هم برایشان ارائه نشده است. مشکلات آموزش و پرورش بسیار زیاد است. رتبه‌بندی مدارس مثل رتبه‌بندی معلمان سرانجامی ندارد و طبیعتا به شکست می‌انجامد. حالا بحث شکست آن یک بحث است. بحث دیگر اینکه در آن خودزحامی‌ای که وارد می‌شوند، آسیب‌زا هستند؛ یعنی وارد کاری که بلد نیستند می‌شوند و مشکلات بیشتر و گسترده‌تری را برای آموزش رقم می‌زنند. به نظر من رسانه‌ها باید که شما لطف کردید و این فضا را آماده کردید؛ بیشتر به این موضوع بپردازند و درواقع ذی‌نفعان آموزش را در جریان این موضوع قرار دهند که دارد این اتفاق می‌افتد و آسیب‌دیدگان مهم این داستان، همین خانواده‌ها و بچه‌ها هستند.

حسین‌پور: من معتقدم این طرح باید از دستور کار خارج شود. اگر مجلس می‌خواهد کاری برای آموزش و پرورش کند، باید یک قانون خاص برای آموزش و پرورش نوشته شود؛ یک قانون جامع که همه کار آموزش و تربیت (باید آموزش و پرورش باشد) و در ذیل آن قوانین مالی و اداری و نیروی انسانی بیاید. آن هم باید یک کار خیلی عمیق و دقیق انجام بگیرد. این خیلی نکته مهمی است. اما برخی از حرف‌هایی که عرض کردم در این طرح زدند. حرف‌های درستی بود و من معتقدم همه‌شم که برای آن حرف‌های درست باید ماده‌واحده بیرند و این پیشنهاد کاملا درست است. ما هم قول داریم که ایرادتی وجود دارد. اگر مجلس می‌خواهد کمک کند، باید ماده‌واحده بیرد. میزان آموزش و درباقی نیاز به ماده‌واحده دارد. کار خیلی راحتی هم است. مورد استقبال هم قرار می‌گیرد. هم جامع‌بذیری آن زیاد است و هم همه می‌خواهند که این ایراد وارد است اما این راه‌حلش نسبت به برای حل یک مشکل نسخه‌ای را تجویز کنیم که نمی‌دانیم نتیجه‌اش چه می‌شود و ممکن است شرایط را به‌مراتب بدتر کند.

کریمیان: به عنوان یک پیشنهاد ایجابی، یعنی نقدها را می‌دانید و همه واقعا باید بکوییم که علوی کی گرفته شود. به عنوان پیشنهاد ایجابی، آن قسمت درست کار را بیذیریم. یکی‌اش همین بحث سیاست‌گذاری است که می‌تواند شان قانون هم کیدا کند و یکی هم پیش‌بسته‌ایست. بسا آن توضیحی که خانم مقدسی‌زاده دادند. یعنی برای اجرای‌شدن این باید مطالبه شود. این به نظرم می‌تواند بستری باشد برای ایجاد تفاهمی بین مرکز پژوهش‌های مجلس و کسانی که فعال حوزه آموزش هستند و حتی خود نماینده مجلس ایجاد شود.

این برنامه درباره رتبه‌بندی مدارس هم صحبت کرده است. دقیقا قرار است چه اتفاقی بیفتد؟

مقدسی: این طرح مقدمه‌ای را برای بحث رتبه‌بندی می‌آورد که درواقع به نوعی بحث توزیع منابع است. بحث عدالت آموزشی را هم مطرح می‌کند و می‌گوید مثلا ما به سازوکاری نیاز داریم که بودجه‌ریزی حساس و عدالت اتفاق بیفتد. حالا دوستان در آموزش و پرورش یک کاری کردند روی اینکه شناسایی کانون‌هایی که نیاز اصلی به بودجه دارند. در این طرح گفته شده که رتبه‌بندی چیزی در خدمت چنین هدفی است. درواقع مدرسه این شاخص‌های لازم آموزشی را ندارد و ما از اینجا اطلاعات پایه‌ای از مدرسه به دست می‌آوریم که مدرسه مثلا به عنوان کانونی که باید حتما حمایت بشود. شناسایی شود و بر اساس آن این اتفاق بیفتد. با این ادبیات می‌خواهند ادبیات رتبه‌بندی را موجه کنند. چنین مسئله‌ای که ما درواقع توزیع عادلانه منابع و بودجه را نداریم. لزوما نیازمند رتبه‌بندی نیست. آموزش و پرورش خودش می‌تواند به‌درستی تشخیص دهد که کدام مدارس منابع ندارد؛ یعنی آن‌قدر سازوکار هست که آموزش و پرورش خودش به‌راحتی می‌تواند این کار را بکند. چرا مدرسه را مثلا به خاطر چنین نیازی رتبه‌بندی کند.

دوم، خود رتبه‌بندی مسئله است. رتبه‌بندی در دنیا مبنای بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد دارد. بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد هم درواقع یکی از سازوکارهای اصلی خصوصی‌سازی پنهان و خصوصی‌سازی درونی در آموزش و پرورش است. به چه معنی؟ به این معنی که درواقع آموزش و پرورش را یک چیزی شبیه بازار می‌کند. همان مکانیسمی که در بازار می‌گوید آقا هرچه عملکردی است همان‌قدر به شما می‌دهیم. اینجا هم می‌خواهیم نهادی مثل آموزش را مانند بازار کنیم. حالا این را در معلمی آمدیم اجرا کردیم و عملکرد آن معلوم نیست و بررسی نشده است که چه اتفاقی برای آن افتاده است. با استناد به اینکه ما این کار را بکنیم، سیستم آموزشی‌مان کارآمد می‌شود. ولی اتفاقی که می‌افتد و درواقع اهالی تعلیم و تربیت نقد جدی تعلیم و تربیتی که به این ماجرا دارند، این است که شما این کار را می‌کنید و عمل‌گرایی می‌کنید؛ نهادی که نباید یکی باشد؛ یعنی عملکردش کیفی است و همه چیز آن بر مبنای کیفی است. حالا در رتبه‌بندی معلم، رابطه معلم و دانش‌آموز را مخدوش می‌کنید. در رتبه‌بندی مدرسه درواقع چند تا آسیب جنداتبه در مدرسه ایجاد می‌شود. از یک طرف مدرسه دولتی که احتمالا همیشه شاخص‌های آن پایین است و معمولا ضعیف‌تر است. این در نهایت اتفاقا ظرفش تثبیت می‌شود. ما وقتی سیاست‌گذاری می‌کنیم، باید پیامدهای ناخواسته عمل‌مان را بدانیم. شما دارید یک خوراکی می‌دهید به خانواده‌ای که احتمالا به صورت بیش‌فرض نمی‌رود سراغ مدرسه‌ای دولتی که ضعیف است. دارید می‌کویید این مدرسه شاخصش آن است و این هم ضعیف است. درواقع پیامد ناخواسته‌اش این می‌شود که خانواده‌ها سراغ این مدرسه نمی‌روند.

من چالشی جدی با خود ایده رتبه‌بندی دارم که در خود طرح تحول هم آمده است. اصل ماجرا این است که در نهایت اینها رتبه‌بندی می‌شود و ابزاری برای اینکه حالا می‌گویند ما مدرسه را رتبه‌بندی می‌کنیم، بودجه‌ریزی‌مان را متناسب با اینکه مدرسه عملکرد خوب یا بدی دارد، تخصیص می‌دهیم. در این بازی چه کسی برنده است و چه کسی بازنده؟ مدرسه ضعیف همیشه ضعیف و بازنده است. یعنی می‌خواهم بکویم که ایده‌های این شکلی است، می‌کویند ما این کار را می‌کنیم و فکر می‌کنند که جقدر است. درواقع دارد آن را بالا می‌کشد. آن اتفاق نمی‌افتد. آن مدرسه‌ای که ضعیف است، خوش را بالا نمی‌کشد. در این بازی بازنده‌تر می‌شود. اگر قرار است مدرسه ضعیف را ارتقا دهیم، باید بودجه‌ریزی خاص داشته باشد و حمایت‌های خاص از آن بشود. برنده وقت قطعا آن کسی است که قدرتمندتر است؛ بنابراین من برای اصلاح نظام و برای کارآمدسازی نظام، اساسا طرح‌هایی از جنس رتبه‌بندی را طرح موفقی نمی‌دانم.

مقدسی: ما اصلا درگیر آن سیستم‌های ارزیابی و سنجش‌های سنجش نداریم. سیستم‌های سنجش هرکدام از یک چیزی طراحی می‌شوند. شما سیستم سنجش آموزش و پرورش را باید برای خودش طراحی کنید و بکویید می‌خواهید از آن چه چیزی دربیاید. نکته‌ای را هم اضافه کنم. ببینید، شما یک مقوله سر یک کلاس درس می‌خواهید بروید. می‌کویید من معلمی هستم که می‌خواهم اینجا بچه‌ها را ارزیابی کنم تا یادگیری‌شان افزایش پیدا کند. ما در این ارزش کیفی این را می‌کویم. سنجش می‌کنم. حالا مبنای آن چیست؟ همایش آن امتحان پایانی هم نیست؛ یعنی من ارزش آن امتحان پایانی را کم می‌کنم و این را می‌آورم در جریان آموزش قرار می‌دهم؛ یعنی می‌آیم یک سیستم پایش‌سنجش مواجه ایجاد می‌کنم و به آن بچه بازخورد می‌دهم. بچه را با خودش مقایسه می‌کنم. هنر معلم این است که من هنر است که بتواند سیستم بازخوردهی‌اش را فعال کند. شاخص‌ها را بسنجد. به آن بازخورد بدهد. نه اینکه مدیر را وارد رقابت کنند. مثلا چه فایده دارد مدرسه‌ای که در لالاذرار است با مدرسه‌ای که در منطقه ۵ آن مقایسه شود؟ اولا که این مدارس همه‌شان دست‌شان در جیب اولیاست. یک بخشی هم اموال منطقه است. خب مدرسه منطقه ۵ در حد و زمینه پولدارتر است. شما می‌خواهید مدرسه پولدار را با مدرسه فقیر مقایسه کنید؟

حسین‌پور: هر وقت است رتبه‌بندی می‌آید، تن من می‌لرزد. وقتی ما درباره رتبه‌بندی صحبت می‌کنیم، دقیقا بدانیم که من و شما را برای این فرایند جمع‌آوری داده‌هایی رتبه‌بندی کنیم؟ آیا می‌شود مثل رتبه‌بندی معلمان که هنوز ما نتوانستیم بخشند که معلمان استان‌ها را برای مدارس خاص تربیت کنند؟ که نمی‌دانم اسم این را چه بگذارم؟ در حالت کلی، این طرح همچنان که عرض کردم اصلا حتی اگر هم پیش برود، قابل اجرا نیست. مثل خود سند تحول. خیلی حرف‌های نامنسجم و پراکنده در این طرح زده شده. راهکاری هم برایشان ارائه نشده است. مشکلات آموزش و پرورش بسیار زیاد است. رتبه‌بندی مدارس مثل رتبه‌بندی معلمان سرانجامی ندارد و طبیعتا به شکست می‌انجامد. حالا بحث شکست آن یک بحث است. بحث دیگر اینکه در آن خودزحامی‌ای که وارد می‌شوند، آسیب‌زا هستند؛ یعنی وارد کاری که بلد نیستند می‌شوند و مشکلات بیشتر و گسترده‌تری را برای آموزش رقم می‌زنند. به نظر من رسانه‌ها باید که شما لطف کردید و این فضا را آماده کردید؛ بیشتر به این موضوع بپردازند و درواقع ذی‌نفعان آموزش را در جریان این موضوع قرار دهند که دارد این اتفاق می‌افتد و آسیب‌دیدگان مهم این داستان، همین خانواده‌ها و بچه‌ها هستند.

کریمیان: من معتقدم این طرح باید از دستور کار خارج شود. اگر مجلس می‌خواهد کاری برای آموزش و پرورش کند، باید یک قانون خاص برای آموزش و پرورش نوشته شود؛ یک قانون جامع که همه کار آموزش و تربیت (باید آموزش و پرورش باشد) و در ذیل آن قوانین مالی و اداری و نیروی انسانی بیاید. آن هم باید یک کار خیلی عمیق و دقیق انجام بگیرد. این خیلی نکته مهمی است. اما برخی از حرف‌هایی که عرض کردم در این طرح زدند. حرف‌های درستی بود و من معتقدم همه‌شم که برای آن حرف‌های درست باید ماده‌واحده ببرند و این پیشنهاد کاملا درست است. ما هم قول داریم که ایرادتی وجود دارد. اگر مجلس می‌خواهد کمک کند، باید ماده‌واحده برد. میزان آموزش و درباقی نیاز به ماده‌واحده دارد. کار خیلی راحتی هم است. مورد استقبال هم قرار می‌گیرد. هم جامع‌بذیری آن زیاد است و هم همه می‌خواهند که این ایراد وارد است اما این راه‌حلش نسبت به برای حل یک مشکل نسخه‌ای را تجویز کنیم که نمی‌دانیم نتیجه‌اش چه می‌شود و ممکن است شرایط را به‌مراتب بدتر کند.

کریمیان: به عنوان یک پیشنهاد ایجابی، یعنی نقدها را می‌دانید و همه واقعا باید بکوییم که علوی کی گرفته شود. به عنوان پیشنهاد ایجابی، آن قسمت درست کار را بیذیریم. یکی‌اش همین بحث سیاست‌گذاری است که می‌تواند شان قانون هم پیدا کند و یکی هم پیش‌بسته‌ایست. بسا آن توضیحی که خانم مقدسی‌زاده دادند. یعنی برای اجرای‌شدن این باید مطالبه شود. این به نظرم می‌تواند بستری باشد برای ایجاد تفاهمی بین مرکز پژوهش‌های مجلس و کسانی که فعال حوزه آموزش هستند و حتی خود نماینده مجلس ایجاد شود.

این برنامه در میزگردی ابعاد مختلف طرح «تقویت نظام آموزش‌وپرورش» را بررسی کرد

مقدسی: بر حال مسئله سیاست آموزشی یک مسئله است و نیازمند کار کارشناسی درست است. صرفا یک پیشنه